

## انتقام

## از داماد

## در شب عروسی

زنی که از طریق پخش زنده اینستاگرام به انتشار تصاویر خصوصی مردی جوان در شب عروسی اش اقدام کرده بود، بازداشت شد. به گزارش جام جم، سرهنگ داوود معظمی گودزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در این باره گفت: مردی با حضور در پلیس فتا شکایت کرد که تصاویر خصوصی اش در لایو اینستاگرامی منتشر شده و وی را به دردرسر انداخته است. در جریان تحقیقات از او معلوم شد که بعد از نامزدی با همسرش، فردی او را در

فضای مجازی تهدید کرده که باید نامزدی را به هم بزند در غیر این صورت تصاویر خصوصی اش را منتشر می‌کند که او نامزدی را بر هم نزده و ازدواج کرده تا این‌که فرد تهدیدکننده، در شب عروسی اش یک صفحه جعلی با نام و شماره وی در اینستاگرام ایجاد کرده و در یک پخش زنده اینستاگرامی تمام تصاویر خصوصی ام رامنشتر کرده است. وی افزود: در پی تحقیقات معلوم شد فردی که این تهدید را

## ۶ سکناس واقعی از ماجرای خیانت و جنایت

# وقتی فهمیدم همسرم خیانت کرده

# ۳ بار خودکشی کردم

«همه چیز از صبح روز قتل آغاز شد. وقتی همسرم را در حال پیامک بازی دیدم، صدایی در مغزم گفت ماجرا را پیگیری کن و همین باعث شد متوجه ارتباط پنهانی همسرم و مرد همسایه شوم. افشای این موضوع باعث طراحی قتل شد.» این بخشی از دفاعیات مرد جوانی است که وقتی فهمید همسرش به او خیانت کرده، سه بار اقدام به خودکشی کرد اما وقتی موفق نشد، تصمیم به کشتن مرد همسایه گرفت. لیلا و محسن زوج جوانی هستند که در این پرونده به مباشرت در قتل متهم شده‌اند. آنها در جلسه دادگاه، اتهام قتل مرد راننده را گردن یکدیگر انداختند.

محمد غمخوار دبیر گروه حوادث

### سکناس اول: جسدی در خودروی پراید

شامگاه یکی از روزهای پایانی سال ۱۳۹۹ ماموران پلیس شهرستان بهارستان در غرب استان تهران، هنگام گشت زنی در حاشیه شهر به خودروی پرایدی نقره‌ای مشکوک شدند که در حاشیه جاده پارک شده و درهایش باز بود. ماموران گشت که به این وضعیت مشکوک شده بودند، به سمت پراید رفته و با مبدی جوان روی صندلی عقب روبرو شدند که در حال ریختن وسایل داخل خودرو به بیرون بود. مردی نیز بی حرکت روی صندلی راننده نشسته بود. سراغ راننده رفته و متوجه مرگ او شدند. در حالی که مرد جوان مدعی بود، راننده دوستش است و سکنه کرده اما رد چاقو روی گردن این مرد احتمال قتل او مطرح کرد. مرد ۲۴ ساله به نام محسن دستگیر شد و جسد راننده برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

### سکناس دوم: اعتراف به قتل

محسن وقتی مقابل بازپرس جنایی نشست به قتل راننده اعتراف کرد و گفت: «مقتول به نام کریم، همسایه ما و مسافرکش بود. هر وقت همسرم جایی می‌خواست برود به کریم می‌گفتم او را برساند. حدود یک ماه بود به رفتارهای همسرم مشکوک شده بودم. او ساکت بود و گاهی بی دلیل گریه می‌کرد. امروز از او خواستم بگوید چه چیزی باعث تغییر رفتارش شده است. لیلا، همسرم وقتی ماجرای تعرض کریم را تعریف کرد، انگار دنیا روی سرم خراب شد. خواستم او را ادب کنم و به بهانه رفتن به قانیه سوار خودروی او شده و در میان راه همسرم که روی صندلی عقب نشسته بود، طنابی را دور گردن کریم انداخت و کشید. من هم با چاقو چند ضربه به گردنش زدم. وقتی متوجه گشت پلیس شدیم، همسرم فرار کرد.»

### سکناس سوم: تعرض ساختگی

با این اعترافات ماموران راهی خانه محسن شده و همسرش را دستگیر کردند. زن جوان در ابتدا سعی کرد خود را بیگناه نشان دهد اما وقتی با دلایل پلیسی روبرو شد، به ارتباط با مقتول اعتراف کرد. این در حالی بود که تحقیقات مشخص کرد، موضوع تعرض ساختگی است و با این ادعا قصد داشته همسرش را ترغیب به قتل کریم کند. دو متهم صحنه قتل مرد راننده را بازسازی کرده و با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

### نظیه

# سرقت ۵۰۰۰ دلاری دزد مسلح از آقای بازیگر

دزد مسلح به بهانه سرمایه‌گذاری ارز دیجیتال، بازیگر مطرح تلویزیون و سینما را فریب داد و ۵۰۰۰ دلار از او سرقت کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی دی امسال مرد جوانی که از بازیگران سینما و تلویزیون و کارگردان تئاتر است با حضور در شعبه هفتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از مردی مسلح به اتهام سرقت مقرون به‌آزار شکایت کرد.

با دستور محمد ولدی بیرانوند، بازرس پرونده، تحقیقات ماموران برای راگشایی از این پرونده آغاز شد. شاکي به ماموران گفت: در یک مهمانی از چند نفر شنیدم در زمینه ارز دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده و به سود خوبی رسیدند. از طریق آنها با مردی آشنا شدم. با او تماس گرفتم که ادعا کرد در مدت چند ماه سرمایه‌ام دوبرابر می‌شود. از من خواست مبلغ ۵۰۰۰ دلار برای سرمایه‌گذاری اولیه به وی بپردازم که قبول کردم. روز بعد از من خواست برای تحویل دلارها به رستورانی در شمال تهران بروم. با دو نفر از دوستانم به رستوران رفتم. یک ساعت در آنجا بودیم اما خبری از آن مرد نشد. بعد از آن دوستانم رفتند و من تنها شدم که مرد فروشنده به من زنگ زد و اطلاع داد به خاطر تراфик نتوانسته خود را به محل قرارمان برساند. بنابراین از من خواست خودم را به محله دیگری برسانم که قبول کردم و به آنجا رفتم. فروشنده ارز دیجیتال سوار ماشینم شد و اسلحه کلتی را روی شقیقه‌ام گذاشت و تهدید کرد اگر دلارها را در اختیارش قرار ندهم با شلیک گلوله مر به قتل می‌رساند و جسدم را در جایی می‌اندازد که کسی نتواند آن را پیدا کند. کیف دلارها را سرقت کرد و در تاریکی شب ناپدید شد.

ماموران احتمال می‌دهند متهم فراری مرتکب جرایم مشابه دیگری هم شده باشد که در حال راگشایی از ابعاد این پرونده هستند. بازپرس پرونده با هشدار به شهروندان از آنها خواست برای خرید و فروش ارز دیجیتال یا سرمایه‌گذاری در این زمینه از طریق مراجع معتبر و قانونی اقدام کنند تا مال و جان شان به خطر نیفتد.



عملی کرده یک زن جوان است که تحت تعقیب قرار گرفت و در جنوب تهران بازداشت شد. با تحقیق از این متهم معلوم شد شاکي مدتی با متهم رابطه عاشقانه داشته و بعد ارتباطش را با او قطع کرده و با فرد دیگری ازدواج کرده است. همین باعث شده که این زن از تازه‌داماد کینه به دل بگیرد و به قصد انتقامگیری عکس‌های خصوصی او را منتشر کند.



کرد کریم به او تعرض کرده است. من کریم را می‌شناختم می‌دانستم دروغ می‌گوید. کریم کسی نبود بخواهد به همسرم تعرض کند. از لیلا خواستم همراه چچه‌ها به سوپرمارکت سرک‌چه برود. بعد طنابی به چارچوب در بستم تا خودکشی کنم اما لیلا زود برگشت و نجاتم داد. یک‌بار دیگر به خودکشی کردم که باز لیلا مرا نجات داد. تحمل این بی‌آبرویی را نداشتم و این بار دو طناب دار به چارچوب بستم و از لیلا خواستم با هم خودکشی کنیم اما در آخرین لحظه دلم نیامد او را بکشم. لیلا گفت بیا کریم را خفه کنیم و با وسوسه او سوار ماشین کریم شده، نقشه را اجرا کردیم. من دوست دارم زود اعدام شوم و حتی حاضرم برای اجرای حکم خانه‌ام را به خانواده مقتول بدهم اما واقعیت این است که لیلا با طناب کریم را خفه کرد و من نقشی در ماجرا نداشتم. به طناب دست نزدم و وقتی ماموران را دیدم، آن‌را از گردن کریم باز کرده و به بیرون پرت کردم.»

**رئیس دادگاه:** چه کسی چاقو زد؟

**محسن:** من زدم. وقتی لیلا طناب را گردن کریم انداخت او شروع به معذرت خواهی کرد. اینجا شک کردم که نکند لیلا راست می‌گوید و با چاقو او را زدم.

**رئیس دادگاه:** چرا وسایل داخل خودرو را به بیرون پرت می‌کردی؟ **محسن:** می‌خواستم صحنه‌سازی کنم، کریم برای سرقت کشته شده است. پس از دفاعیات محسن، نوبت به وکیل او رسید. وکیل محسن با اشاره به اعترافات قبلی لیلا گفت: «زن جوان مدعی شده بود یک دقیقه طناب را دور گردن راننده نگه‌داشته است. این زمان برای مرگ کافی است. او همچنین در جریان بازسازی صحنه قتل گفته بود، وقتی همسرم متوجه ارتباط من و همسایه‌مان شد، موضوع تجاوز را مطرح کردم تا با احساسات همسرم بازی کنم. براساس محتویات پرونده، موکل‌م در این ماجرا قاتل نیست.»

پس از دفاعیات متهمان و وکلای آنها، قضات برای تصمیم‌گیری درباره این پرونده وارد شور شدند.

### اتفاقیه

# بررسی ادعای آزار فوتبالیست‌های نونهال

خانواده‌های چند بازیکن نونهال یک باشگاه فوتبال در مشهد با تجمع مقابل ساختمان هیأت فوتبال خراسان رضوی اعلام کردند؛ مربی، فرزندان‌شان را مورد آزار وادیت قرار داده است.

به گزارش تسنیم، در چند روز گذشته تعدادی از خانواده‌های بازیکنان یک باشگاه فوتبال در مشهد با تجمع مقابل ساختمان هیأت فوتبال خراسان رضوی به دنبال پیگیری ادعایی بودند؛ جمعی که البته چندان چاره‌ساز نبود تا این خانواده‌ها پس از شکایت در حراست اداره‌کل ورزش و جوانان استان به دنبال پیگیری از طریق رسانه‌ها باشند. این خانواده‌ها می‌گفتند پس از تغییر رفتار فرزندان‌شان و پیگیری و بررسی محتوای گوشی تلفن همراه بازیکنان، متوجه شدند مربی این باشگاه آنها را مورد آزار وادیت قرار داده است و این نونهالان از ترس بازگو شدن این موضوع تحت فشار روحی و روانی قرار دارند. این در حالی بود که علی‌اکبر هاشمی جواهری، مدیرکل ورزش و جوانان خراسان رضوی در این باره گفت: به محض اطلاع از این موضوع که به اتفاقات رخ داده در یک باشگاه فوتبال غیرمجاز در مشهد مربوط بود، موضوع به شکل جدی در دست بررسی و پیگیری قرار گرفت. بعد از افشای این ماجرا بود که سجادی، وزیر ورزش به این موضوع واکنش نشان داد و گفت برای پیگیری تخلف در این مدرسه فوتبال به حراست این وزارتخانه دستور دادیم تا به موضوع رسیدگی کند و پس از بررسی این ادعاها، در صورت صحت گزارش‌های رسیده با عامل با عاملان این اتفاق با قاطعیت برخورد خواهد شد.



## پایان آتشین

## ارتباط پنهانی

## بازن جوان

## زباله‌گردها، جسد را آتش زدند

**[۱] از آشنایی ات با مقتول بگو.**

آن زن از اقوام دورم بود. یکی از آشنایان او را به من معرفی کرد تا برایش کاری پیدا کنم. چند مرتبه با هم ملاقات کردیم و کم‌کم رابطه عاشقانه‌مان شکل گرفت.

**[۲] با هم اختلاف داشتید؟**

مدتی از این رابطه گذشت و به خاطر خیانت به همسرم، دچار عذاب وجدان شدم. از آن زن جوان خواستم همه چیز را فراموش کند اما دست بردار نبود و تهدید می‌کرد که باید با او باشم.

**[۳] به همین خاطر او را کشتی؟**

آخرین شب، سوار خودروی پیکان وانتم شد. با هم جرو بحث‌مان شد و فریاد می‌زد اگر از او جدا شوم خودکشی می‌کند. بعد شال را روی گردنش گره زد و گفت خودم را می‌کشم. باورم نمی‌شد تهدیدش جدی باشد. عصبانی شدم و شال را به دور گردنش محکم کشیدم که خفه شد.

**[۴] با جسد چه کردی؟**

وقتی به خودم آمدم او مرده بود. با گذشت چند ساعت به جاده رباط‌کریم رسیدم. خودرو را متوقف کردم و در جاله‌ای انداختم. روز بعد به آنجا رفته و متوجه شدم زباله‌گردها جسد را سوزانده‌اند.